

در گفت‌وگویی با قاسم تبریزی مطرح شد

هشدار فخرالدین حجازی به پیروان کسروی درباره قرآن سوزی

۶ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۱

استاد فخرالدین حجازی از جمله خطیبان غیرروحانی بود که بیان و قلم خویش را در خدمت ترویج معارف اسلام و انقلاب قرار داد. او ج علاقه بدنه اجتماعی به وی، در اولین دوره از مجلس شورای اسلامی عیان شد که مردم تهران به نمایندگی از خود، او را با بیش از یک میلیون رای به مجلس شورای اسلامی فرستادند.

استاد فخرالدین حجازی از جمله خطیبان غیرروحانی بود که بیان و قلم خویش را در خدمت ترویج معارف اسلام و انقلاب قرار داد و در این طریق توفیقاتی ارجمند به کف آورد.

او ج علاقه بدنه اجتماعی به وی، در اولین دوره از مجلس شورای اسلامی عیان شد که مردم تهران به نمایندگی از خود، او را با بیش از یک میلیون رای به مجلس شورای اسلامی فرستادند.

در سالروز رحلت این شخصیت گرانمایه، با یکی از یاران و مصاحبانش، یعنی محقق گرانمایه جناب قاسم تبریزی به گفت‌وگو نشستیم که نتیجه آن را پیش روی دارید.

* آشنایی شما با مرحوم فخرالدین حجازی از کی و چگونه آغاز شد؟ چه خصوصیات و ویژگیهایی از ایشان در چشم شما برجسته آمد؟

آشنایی بنده با ایشان، از مؤسسه خیریه و انتشاراتی بعثت آغاز شد که افراد خیر آنجا را تأسیس کرده بودند و صاحب آنجا یعنی مرحوم فواکھی هم، بابت اجاره چیزی نمی‌گرفت. البته استاد حجازی هم در آنجا سهم داشت، ولی هیچ سهمی را برای خود قایل نبود و حتی اگر برای یک تمبر دو ریالی هم برای نامه برمی‌داشت، می‌گفت: یادداشت کنیم! غالباً هم حق‌التألیف آثارش را دریافت نمی‌کرد و اگر هم می‌گرفت، برای کتابخانه‌های عمومی، دانشجویان و طلاب کتاب می‌خرید. حقیقتاً در مال و اموال، به خصوص بیت‌المال، بسیار پاکدست بود و این از ویژگیهای ارزنده ایشان است.

مرحوم حجازی علاقه زیادی به ارتباط مستمر با عالمان دین و بزرگان فرهنگ داشت. آیا شما در سفرهایی که ایشان به قم و شهرهای دیگر برای ملاقات این بزرگان می‌رفت، ایشان را همراهی می‌کردید؟

بله، ایشان نه تنها خود به سفر و دیدار این بزرگان می‌رفت، گاهی هم در مؤسسه انتشارات بعثت یا منزل شخصی خود هم از آنها پذیرایی می‌کرد.

بنده توفیق داشتم در سفرهای متعددی در معیت ایشان باشم، از جمله یک بار همراه ایشان و آقایان سید علی‌اکبر گلپایگانی، پرویز جنتی و شهید کریم رفیعی به قم و نزد علامه طباطبایی رفتیم.

در آن ایام شهید رفیعی با مجاهدین خلق در دزفول و خرمشهر ارتباط داشت و پس از تغییر ایدئولوژیک سازمان، سؤالات زیادی برایش مطرح شده بود. در آن جلسه سؤالات فلسفی زیادی را از علامه پرسید و ایشان با نهایت آرامش و متانت جواب دادند.

یک بار هم همراه ایشان به قم رفتیم و قرار بود به منزل یکی از طلاب انقلابی برویم. وقتی رسیدیم، استاد خسته بود و دراز کشید تا استراحت کند. همسر آن طلبه آمد و گفت که: شوهرش را دستگیر کرده و برده‌اند و اطرافیان هم از معرکه گریخته‌اند! من خدمت ایشان گفتم: بهتر است ما هم برویم، چون هر لحظه ممکن است مأموران به خانه بریزند.

استاد حجازی گفت: من حال رفتن ندارم، همین جا می‌خوابم! بالاخره هر طور که بود، استاد را راضی کردیم و به هتل ارم بردیم. بعدها معلوم شد بعد از رفتن ما مأموران به آن خانه ریخته بودند!

یک بار هم همراه ایشان خدمت مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی رفتیم که تازه از زندان آزاد شده بود.

آن جلسه بیش از سه ساعت طول کشید و دوستان سؤالاتشان را مطرح کردند و آیت‌الله ربانی با حوصله و دقت تمام پاسخ دادند. همان روز به دیدار آیت‌الله سید صادق روحانی هم رفتیم. ایشان داشتند جلد ۲۶ «فقه الصادق» را می‌نوشتند. آیت‌الله روحانی در آن دیدار، یک دوره کامل از رسائلشان را به استاد حجازی و کتاب «جبر و اختیار» را به بنده هدیه دادند.

*در آن دوره که مقطع اوج فعالیت‌های بعثت بود، چه کسانی با مؤسسه بعثت همکاری می‌کردند؟

یکی از افرادی که خود از بانیان انتشارات بعثت بود، حجت‌الاسلام سید هادی خسروشاهی بود که در آنجا کتابهای «اسلام و هیئت» مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی و «عروه‌الوثقی» سید جمال اسدآبادی را چاپ و در کنار آن، بسیار تلاش کردند که آثار اساتید قم، از جمله آثار آیات عظام جعفر سبحانی و ناصر مکارم شیرازی در انتشارات بعثت چاپ شود.

استاد حجازی از شهید آیت‌الله بهشتی هم کتاب «خدا در قرآن» را منتشر کردند و ایشان دیداری هم از مؤسسه انتشارات بعثت داشتند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای هم، کتاب «از ژرفای نماز» را برای چاپ به انتشارات بعثت سپردند و خودشان هم گاهی که به تهران می آمدند، سری به آنجا می زدند.

آیت الله سید ابوالفضل زنجانی هم جزو هیئت علمی بررسی کتاب این موسسه بودند. تمام آثار حجت الاسلام عبدالکریم بی آزار شیرازی در فاصله سالهای ۴۸ تا ۵۴، در بعثت چاپ شدند.

ایشان قبل از سفر به کانادا همیشه در انتشارات بعثت بودند و کتاب «پژوهشی در قرآن» را هم ویرایش و تدوین کردند.

حجت الاسلام سید ابوالفتح دعوتی و حجت الاسلام علی حجتی کرمانی هم به بعثت رفت و آمد داشتند. یک شب ایشان و مرحوم دکتر علی شریعتی درباره معراج نامه ابوعلی سینا بحث جالبی داشتند. مرحوم حجت الاسلام والمسلمین علی دوانی هم غیر از انتشار آثارشان در بعثت، با مرحوم استاد حجازی رفاقت داشتند.

* از افراد غیر روحانی چه کسانی با بعثت همکاری می کردند؟ کسانی که در کار آشنایی نسل جوان با معارف دینی بودند؟

مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر شریعتی، مرحوم استاد محمدتقی شریعتی و مرحوم سید غلامرضا سعیدی.

* آیا ساواک به بعثت هم یورش آورد؟ از این حملات چه خاطراتی دارید؟

مؤسسه انتشاراتی بعثت از اواسط دهه ۴۰، رونق گرفت و در دهه ۵۰ به اوج شکوفایی رسید و در مسیر اهداف و رسالت اسلام و انقلاب خدمات شایان توجهی کرد.

یک روز که استاد را دستگیر و روانه زندان کردند، برای پیدا کردن اسناد ضد امنیتی و کتابهای ممنوعه، به انتشارات بعثت هجوم آوردند، بعد از رفتنشان معلوم شد نتوانستند چیز به درد بخوری پیدا کنند، برای همین دو هفته بعد مرحوم حجازی از زندان آزاد شد.

ساعت حدود ۵/۲ بعد از ظهر بود که ایشان گرسنه و بی حال به انتشارات بعثت آمد! برایمان از بازجویی گفت که بر تمام تفاسیر قرآن مسلط بود و همه احادیث و روایات را می دانست! می گفت: او به من که در سخنرانیهایم به مسلسل، اسلحه و آتشبار اشاره می کردم، گفت: مردک! تو توپ، تانک و مسلسل را از کجای قرآن در آوردی که من ندیدم؟ و بعد هم شروع به توهین و فحاشی کرد! او چند ساعتی به این شکل با روحیه من بازی کرد. بالاخره هم نفهمیدم چه کاره بود! از این داستانها زیاد داشتند.

* مرحوم حجازی در سخنرانی‌هایش شهامت و جسارت فراوانی را به خرج می‌داد و البته سبک خاصی هم داشت. خاطره خاصی را در این باره به یاد دارید؟

اوایل دهه ۵۰ بود و ایشان در مسجد حجت بن الحسن(ع) در خیابان سهروردی شمالی، درباره قیام امام حسین(ع) سخنرانی داشت.

حاج ابوالقاسم فواکھی جزو هیئت امنای مسجد بود. شب سوم بود که به مرحوم حجازی گفت: یک تیمسار در این جلسات شرکت می‌کند، کمی رعایت کنید! آن شب با شور و هیجان درباره بی‌پناهی نسل جوان و مشکلات جامعه حرف زد و گفت: شنیده‌ام یک مردک تیمسار گفته است این همه داد نزن، برایت ضرر دارد، مردک! تو چه می‌فهمی چرا داد می‌زنم؟ تو که درد نداری، من درد دارم! تو متوجه نیستی نسل جوان دارد از دست می‌رود. من یک قلم و زبان دارم و باید آن را در راه اسلام، قرآن و امام حسین(ع) بدهم. به هر حال با شور و حرارت جواب آن تیمسار را دادند و البته سخنرانی‌های ایشان هم به شیوه مالوف، ادامه یافت.

* ظاهراً استاد در مقطعی، با پیروان کسروی هم برخورد شدیدی داشتند. داستان از چه قرار بود؟

بله، پیروان کسروی در دوره‌ای، در خیابان ری جلسات هفتگی داشتند. یکی از دوستان در آن جلسات شرکت می‌کرد و خبر می‌آورد.

یک بار در شب اول دی قرار بود روی همان روال کسروی مراسم کتاب سوزان راه بیندازند و قرآن، مفاتیح، مثنوی، دیوان حافظ، سعدی و... را بسوزانند! مرحوم حجازی در آن زمان در مسجد سنگی خیابان ری سخنرانی داشت. ماه رمضان هم بود و استاد تهدید کرد: اگر چنین جسارتی کنند، مردم آنجا را اشغال می‌کنند و پیروان کسروی را به سزای اعمالشان می‌رسانند.

دو سه شب قبل از مراسم کتاب سوزان، محمدعلی پایدار در آن جلسه می‌گوید ظاهراً یک آخوند فکلی در مسجد حرف زده و تهدید کرده است و قصد توطئه دارد، بنابراین برنامه امسال را تعطیل می‌کنیم! استاد به این نحو در دل آنها رعب و وحشت ایجاد کرده بود.

استاد به جوانها امید و ارادت زیادی داشت. در اوایل دهه ۵۰ ایشان را دستگیر کردند و به کمیته مشترک بردند. ایشان می‌گفت: «بیمار شدم و مرا به بیمارستان شهربانی منتقل کردند. در آنجا با جوانی روبه رو شدم که تمام بدنش را گچ گرفته بودند. آن جوان درباره خودش فقط یک جمله گفت که: در کمیته مشترک شکنجه‌اش داده‌اند! از من خواست دعا بخوانم و او آمین بگوید. در تمام مدتی که دعا می‌خواندم، مثل ابر بهار گریه می‌کرد. از او خواستم از زندان که آزاد شد، روزی به انتشارات بعثت بیاید.» ی

ک سال و اندی بعد در یک عصر پائیزی، آن جوان به بعثت آمد. استاد آن جوان را به من معرفی کرد و از او خواست در انتشارات

حضور دائمی داشته باشد. او دانشجوی اخراجی رشته مهندسی الکترونیک بود و صبح‌ها در یک کارخانه کار می‌کرد و عصرها به بعثت می‌آمد. او بعد از انقلاب به دانشگاه می‌رفت و ادامه تحصیل داد. حالا هر وقت یاد استاد می‌کنیم، از شیرینی لحظات دعا با ایشان یاد می‌کند.

به هر حال استاد حجازی با سخنرانی‌ها و برخوردهای دلنشین خود با جوانان، تعداد پرشماری از آنان را جذب معارف دینی کرد. شرح مفصل اینگونه ماجراهای آن بزرگوار، از حوصله یک گفت‌وگو خارج است. خدایش رحمت کند.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۴۷۳/سوزی-قرآن-درباره-کسروی-پیروان-حجازی-فخرالدین-هشدار>